



# کواک کواک



با هم شنا می کردن  
اُردکا توی یک صف  
مادرشون داد می زد:  
«هر کی نره یک طرف!»

قورباغه گفت: «قور قور  
تو هم برو شنا کن  
تو اردکی می تونی  
برو کواک کوا کن!»

کواک کواک یه جوجه  
تو لونه بود، می ترسید  
برکه رو وقتی می دید  
بال و پرش می لرزید

مادر اردکا گفت:  
«بدو بیا پیش ما  
نمی شه قایم بشی  
اونجا لای علفها»



● مهری ماهوتی

● تصویرگر: رضا مکتبی

قورباغه توی آب رفت  
موجی براش فرستاد  
اُردکِ خیس و لرزون  
سُرید، تو برکه افتاد

کواک کواک داد زد:  
«این جا عمیقه مادر  
آب اومده رو سرم  
من خفه می شم آخر!»

تکونی داد به پاهش  
بالهاشو هی به هم زد  
با کله رفت زیر آب  
دوباره بالا اومد

خفه نشد، شنا کرد  
جوجه‌ی ناز مادر  
آب که از سر گذشت  
چه یک وجب، چه بیشتر!

